

Typology of Doctrinal and Theological Conflicts between Neo-Salafists and Traditional Salafism

Hamid Imandar*
Muhammad Mowlavi**

(Received on: 2017-07-05; Accepted on: 2018-11-18)

Abstract

Salafism as a school is based on a particular conception of foundations and methods of *kalām*. It was founded by Ibn Taymiyya al-Ḥarrānī. In our time, the advent of neo-Salafism has presented profound challenges to certain traditional Salafi beliefs. Neo-Salafists have adopted different strategies as a consequence of their encounters with traditional Salafi theology and the requirements of the modern world. Some of these strategies include: interpreting away the transmitted attributes as far as attribute-monotheism is concerned (Sayyid Qutb); taking the traditional Salafi reflection on attributes as fruitless; negligence of attribute monotheism on part of prominent traditional Salafists such as Muhammad Qutb and al-‘Awda; rejection of the tripartite division of monotheism to which traditional Salafists generally adhered; providing a reinterpretation of lordly and divine monotheism; replacing inner beliefs and inner permissivism with bodily actions (neo-Salafists such as Sayyid Qutb and Mas‘ari); pervasiveness of excommunications in their interpretations and explanations of certain religious concepts, such as the definition of faith and disbelief as well as some problems of monotheism, government, and legislation; propounding the permissibility of rise against the ruler or legitimacy of peaceful protests by people such as al-‘Awda and al-Qarani; permitting the practice of *ijtihād* and disputes over the reliability of *khābar al-wāḥid* (a hadith transmitted by one person).

Keywords: traditional Salafists, neo-Salafists, monotheism, *kalām*, beliefs.

* Assistant professor, Department of Quranic Sciences and Jurisprudence, University of Shiraz, Shiraz, Iran (Corresponding Author), hamidimandar@yahoo.com.

** Associate professor, Department of Quranic Sciences and Hadiths, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, molavi@isr.ikiu.ac.ir.

گونه‌شناسی تضادهای عقیدتی و کلامی نوسلفیان و جریان سلفیه سنتی

حمید ایماندار*

محمد مولوی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸]

چکیده

سلفیه مکتبی مبتنی بر تلقی خاص در حوزه مبانی و روش‌ها، به‌ویژه مباحث اعتقادی و کلامی، است که ابن‌تیمیه حرانی آن را پایه‌گذاری کرد. در عصر حاضر با ظهور جریان نوسلفیه، برخی از باورهای قطعی سلفیان سنتی با چالش‌هایی عمیق مواجه شده است. نوسلفیان در مواجهه با اندیشه‌های کلامی و اعتقادی سلفیه سنتی و نیز بنا بر مقتضات دوران معاصر، راهبردهای مختلفی را در پیش گرفته‌اند. برخی از این راهبردها عبارتند از تأویل صفات خبریه در حوزه توحید صفاتی از سوی سید قطب؛ بی‌ثمر خواندن تعمق سلفیه سنتی در مسئله صفات؛ عنایت نداشتن بزرگان نوسلفیه، مانند محمد قطب و العوده، به طرح توحید صفاتی؛ رد تقسیم ثلاثی توحید که عموماً سلفیه سنتی بر آن اعتقاد دارند؛ تبیین و تفسیر جدید از توحید ربوبی و الوهی؛ قائم مقام قرار دادن فعل جوارحی به جای اعتقاد و استحلال قلبی از سوی نوسلفیانی چون سید قطب و مسعری؛ گسترش رویکرد تکفیری در تفسیر و تبیین برخی مفاهیم دینی، مانند تعریف ایمان و کفر و برخی مسائل مربوط به توحید، حاکمیت و تشریح؛ طرح مسئله جواز خروج بر حاکم یا مشروعیت‌بخشی به تظاهرات مسالمت‌آمیز از سوی برخی مانند العوده و القرنی؛ اعتقاد به فتح باب اجتهاد و اختلاف درباره حجیت خبر واحد.

کلیدواژه‌ها: سلفیه سنتی، نوسلفیه، توحید، کلام، عقاید.

بیان مسئله

ریشه دواندن تفکرات نوسلفیان خطری بزرگ و بلندمدت برای سلفیه سنتی محسوب می‌شود. بهره‌گیری از تمام امکانات مالی و رسانه‌ای سلفیه سنتی جهت تخطئه بنیان‌های فکری نوسلفیه معلول همین احساس خطر منتسبان به جریان سلفیه سنتی است. نوسلفیان نیز با متهم کردن بزرگان سلفیه سنتی به عناوینی چون سلفیه قبوری، فرقه جامیه،^۱ سلفیه درباری و سلفیه تجریحیه^۲ بر آنند تا باورهای عقیدتی خود را مقوم سلفی‌گری پویا و جریان‌ساز جلوه دهند. یکی از جنبه‌های مهم سلفیه نو به مبانی کلامی این جریان بازمی‌گردد که بیشتر مولود پاسخ‌های نوسلفیان به ضعف‌های سلفیه سنتی در حوزه‌های عقیدتی و سیاسی است و می‌توان آنها را متأثر از رویکرد تساهل و تسامح نوسلفیه نسبت به سلفی‌گری سنتی دانست. برای نمونه، جواز خروج بر حاکم یا پررنگ کردن توحید حاکمیت به روشنی ناظر به انتقادات نوسلفیان به تفکرات مضیق و تنگ‌نظرانه سلفیه درباری است.

در این نوشتار بر آنیم با بررسی آرای عقیدتی و کلامی بزرگان نوسلفی، سیر تطور و گونه‌شناسی تضادهای نوسلفیه با سلفیه را تحلیل کنیم. سید قطب،^۳ محمد قطب،^۴ سلمان العوده،^۵ محمد المسعری،^۶ عائض القرنی،^۷ سَفَر الحوالی^۸ و ناصر العمر،^۹ که محور مباحث این نوشتار هستند، را می‌توان از شخصیت‌های تأثیرگذار و جریان‌ساز نوسلفیه دانست. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخ پرسش‌های ذیل خواهد بود: تضادهای عقیدتی و کلامی میان سلفیه و نوسلفیه چه هستند؟ سیر تطور این تضادها از سید قطب، سردمدار نوسلفیان، تا دوران معاصر چگونه بوده و به عبارتی دیگر، راهبردهای نوسلفیه با چه قالب و کیفیتی در مکتوبات آنها نمود یافته است؟

شایسته توجه است که مهم‌ترین مبحث کلامی قابل بررسی در حوزه جریانات سلفی‌گری مسئله توحید است. مسئله تکفیر حاکم ذیل تلقی خاص سلفی‌ها از مبحث توحید موضوعیت می‌یابد. در عین حال، رویکردهای متفاوت سلفیه و نوسلفیه می‌تواند

تمایزاتی بین این دو جریان در حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، مفهوم‌شناسی و روش‌شناسی رقم زند که در خلال مباحث مطرح خواهیم کرد.

۱. بررسی تطبیقی رویکرد کلامی سلفیه سنتی و نوسلفیه به مبانی توحید

۱-۱. رویکرد سلفیه سنتی به صفات خبریه الهی

سلفیه سنتی تفسیری منحصر به فرد را از صفات خبریه الهی^۹ ارائه داده و تلقی خود را یکی از اصول اساسی توحید شمرده‌اند، به گونه‌ای که هر نوع دخل و تصرف در این برداشت را مخالف توحید اصیل دانسته‌اند (عماد، ۱۳۸۶: ۱۰۹ و ۱۱۳). اهمیت این برداشت خاص در نگاه سلفیان به حدی است که قائلان به دیدگاه‌های دیگر در این مبحث، حتی اشاعره منتسب به اهل سنت، را به شدت طرد کرده‌اند (بن‌باز، ۱۴۰۴: ۲۸۸).

دیدگاه سلفیه در تفسیر صفات خبریه، که از آن به مکتب اثبات یاد می‌کنند، بر چند اصل اساسی استوار است:

الف) تمام صفات خبریه، مثل استوای خداوند بر عرش، صفات ید و وجه باید بر ظواهر این عبارات حمل شوند و عدم اجرای ظواهر مساوی با تعطیل صفات است (علیوی، بی‌تا: ۳۱؛ ابن تیمیه، ۲۰۰۰: ۶۹).

ب) تأویل صفات خبریه مخالف مکتب سلف صالح است و سلف به هیچ عنوان صفات را تأویل نکرده‌اند (ابن تیمیه، ۱۹۹۸: ۶۷).

ج) سلفیان سنتی از حیث هستی‌شناسانه معتقدند صفات خبریه خداوند دارای کیفیت هستند و تنها علم به کیفیت آنها است که به علم الهی تفویض می‌شود (ابن تیمیه، ۱۹۹۸: الف/۳۲/۲).

۱-۲. رویکرد نوسلفیه به صفات خبریه الهی

موضع نوسلفیان درباره مسئله توحید صفاتی و صفات خبریه الهی، در جایگاه یکی از اصول مهم توحیدی سلفیه، به شدت تحت تأثیر اصالت‌بخشی نوسلفیه به توحید حاکمیتی است. مسعری ضمن مخالفت شدید با تقسیم ثلاثی توحید در رویکرد سلفیه

سنتی، توحید صفاتی را ذیل توحید اتباع و طاعت قرار داده و جهت تأکید بر بی‌اهمیتی مباحث مطول سلفیه در توحید صفاتی، این بحث را ملحق به توحید ذاتی می‌داند (مسعری، ۲۰۰۴: ۱۳۸). وی با بیانی هجوآمیز نسبت به ائمه سلفیه سنتی در تأکید بر مباحث صفات معتقد است که تأکید بر دقایق تفسیری صفات خبریه امری است که در محافل مردم امروزی هیچ جایی ندارد، بلکه فقط جاهلان وهابی به بررسی دقیق و بی‌حاصل این مبحث روی آورده و از مسئله اصلی که توحید حاکمیت باشد، رو گردانده‌اند (همان: ۱۴۳).

مسعری به دلیل سکونت در کشورهای اروپایی، صراحت بیان زیادی در رد دیدگاه‌های توحیدی علمای سعودی دارد؛ اما به نظر می‌رسد بیشتر بزرگان نوسلفیه در عصر حاضر، به دلیل وابستگی تابعیتی به حکومت سعودی، نتوانسته‌اند بی‌ثمر بودن مباحث توحید صفاتی را مطرح کنند و چه‌بسا حملات شدید علمای سعودی، همچون بن‌باز، بر ادعاهای صابونی در تأویل صفات را متذکر شده و از بیان صریح نظرات خود چشم پوشیده‌اند. سلمان العوده، از نوسلفیان سعودی تبار، در هیچ‌جای کتاب‌های خود بر توحید صفاتی تأکید ندارد و شاید تألیف کتابی تحت عنوان مع‌الله که مشتمل بر روش‌های کاربردی‌سازی صفات الهی در زندگی است، تعریضی زیرکانه به مباحث جزم‌اندیشانه و پردامنه سلفیه سنتی در مسئله صفات باشد.

جالب اینکه سید قطب، تأثیرگذارترین شخص در بین نوسلفیان، به صراحت تأویل صفات خبریه را در تفسیر خود پذیرفته (قطب، ۱۴۱۲: ۹۲۹/۹؛ ۳۳۸۵/۶؛ ۳۰۲۸/۵) و به پذیرش مباحثی چون وحدت وجود نیز تمایل جدی دارد (همان: ۴۰۰۲/۶). همین تأویل‌گرایی سید قطب سبب انتقادات تند داعیان سلفی‌گری به وی شده است (مدخلی، بی‌تا الف: ۱۷۷)، به گونه‌ای که وی را در زمره معطله (اصحاب تعطیل صفات) ذکر کرده‌اند (ولاء، ۱۹۷۹: ۷۷).

محمد قطب، از رجال نوسلفیه معاصر، نیز در هیچ‌جای کتاب خود با عنوان منهج علم التوحید، بر خلاف روش سلفیه سنتی، فصلی را به مسئله توحید صفات اختصاص نداده، ولی در مختصر بیانی که در مسئله صفات دارد، منهج سلف در عدم تأویل و

تکیف صفات را ستوده و در عین حال چنین مباحثی را متضاد با فلسفه طرح این صفات، که معرفت الهی باشد، دانسته است؛ از این رو بیان خود را درباره صفاتی چون رزاق و وهاب شرح داده و از صفات خبریه محل چالش سلفیه و سایر فرق کلامی سخنی نگفته است (محمد قطب، ۱۹۹۰: ۱۱۸). بنابراین به نظر می‌رسد مراد وی از تقبیح تأویل‌گرایی صرفاً مردود خواندن تأویلات باطنیه و معتزله باشد، در حالی که اصل تأکید سلفیه بر رد تأویل صفات به صفات خبریه‌ای چون استوای ذات الهی بر عرش مرتبط است؛ امری که محمد قطب نخواست با طرح آن وارد چالشی پایان‌ناپذیر با سلفیه سنتی شود و فقط حقیقت باور خود در مسئله صفات را با بی‌ثمر دانستن چنین مباحثی بیان کرده است.

می‌توان گفت عنایت نداشتن بیشتر نوسلفیان معاصر، همچون سلمان العوده و محمد قطب، به مسئله توحید صفاتی به دلیل محافظه‌کاری، وجود برخی ملاحظات سیاسی یا احتمالاً تأثیرپذیری محدود ایشان از فضای جامعه سنتی عربستان، به عنوان مهد سلفیه سنتی، باشد. با تحلیلی دیگر، شاید بتوان صرف نظر کردن از طرح مباحث توحید صفاتی را برای تمرکز بر توحید حاکمیت، به عنوان اساس دعوت نوسلفیان، ارزیابی کرد؛ در غیر این صورت هیچ دلیلی ندارد که امثال العوده موافقت خود را با تلقی سلفی‌ها از مسئله صفات اعلان نکنند، به‌ویژه اینکه چنین موافقتی می‌توانست فشارهای سلفیه را بر جامعه نوسلفیان سعودی بکاهد. از این رو می‌شود گفت امثال العوده به‌رغم موافقت با باور نوسلفیان دیگر، چون سید قطب و مسعری، از آنجا که تاب تحمل فشار دیگری تحت عنوان مخالفت با توحید صفاتی مد نظر سلفیه را نداشته‌اند، از طرح مستقیم چنین مباحثی خودداری کرده‌اند. اگر این مدعا نیز قابل پذیرش نباشد، دست‌کم می‌توان طرح نکردن مباحث توحید صفاتی از سوی نوسلفیان سعودی را به بی‌اهمیت بودن چنین مباحثی ربط داد؛ امری که به هیچ روی با اعتقادات سلفیه سنتی در اهمیت توحید صفاتی سازگار نیست.

۲. بررسی تطبیقی رویکرد سلفیه سنتی و نوسلفیه به توحید ربوبی و الوهی

۲-۱. رویکرد سلفیه سنتی به توحید ربوبی و الوهی

بیشتر سلفیان توحید نظری را به دو بخش توحید صفاتی و توحید ربوبی تقسیم می‌کنند و در توحید عملی نیز بر توحید الوهی (یا توحید عبادی) و توحید حاکمیت تأکید دارند. مطابق دیدگاه آنان، مشرکان عصر رسالت توحید خالقیت و ربوبیت خداوند را قبول داشتند و تنها در توحید عبادی، و به تعبیر آنان الوهی، مشرک بوده‌اند (عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۶). البته سلفیه به مجموع دو اصطلاح توحید خالقیت و توحید ربوبیت عنوان توحید ربوبی را اطلاق می‌کنند؛ چراکه توحید خالقیت را جزئی از توحید ربوبی می‌دانند. به عقیده ایشان، توحید ربوبی مشتمل بر توحید در خلق و توحید در تدبیر است. این جریان در تفسیر توحید الوهی و لوازم آن چند اصل اساسی را مطرح و بر آن تأکید می‌کند که عبارتند از:

الف) واسطه قرار دادن غیر خدا به هر صورت (مثل واسطه قرار دادن ذات، حق، حرمت یا مقام غیر خدا) شرک محسوب می‌شود (آلبانی، ۲۰۰۱: ۴۶). قاطبه مسلمانان این مفهوم را، که از منظر سلفیه شرک آمیز است، توسل می‌خوانند. سلفیه بر اساس آیات قرآن کریم، صرف واسطه قرار دادن بین خلق و خدا را — هرچند شخص معتقد به ربوبیت واسطه نباشد — شرک می‌پندارند (ارنؤوط، ۱۹۸۷: ۲۹، ۱۱۸، ۲۱۸؛ ابن‌جبرین، بی‌تا: ۱۲).

ب) بیشتر سلفی‌ها با تعریف عبادت به نهایت خضوع و تسلیم در مقابل غیر خداوند، هر گونه انجام مناسک عبادی برای آنها، مثل ذبح، را عملی مشرکانه محسوب می‌کنند (عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۶).

بر این اساس در تعریف سلفی، الوهیت مترادف با عبودیت است و هر خضوع و خشوعی در مقابل غیر خدا مصداق شرک الوهی محسوب می‌شود.

۲-۲. رویکرد نوسلفیه به مفهوم توحید ربوبی و الوهی

نوسلفیان جهت پررنگ جلوه دادن مسئله توحید حاکمیت عنایتی جدی به مباحث توحید ربوبی و الوهی ندارند؛ البته در این مسئله، برخلاف توحید صفاتی، طیف‌های

مختلفی دارند که بعضی از آنها موافقت‌هایی مقبول را با جریان سلفیه سنتی در این حوزه رقم زده‌اند. برای نمونه می‌توان به محمد قطب اشاره کرد که در کتاب *منهج التوحید* - البته با سبکی متفاوت با سلفیه سنتی - مسئله شرک ربوبی را آورده و در برخی تألیفات دیگر خود نیز به شرک بودن مباحثی چون شفاعت، استغاثه و توسل تصریح کرده است (محمد قطب، ۱۹۹۰: ۲۹/۲). وی همچون سلفی‌ها، عبادت را نیز به نهایت خضوع و تذلل معنا کرده؛ اما نقطه انفصالش از باور سلفی در تعریف وی از مفهوم الوهیت شکل می‌گیرد، جایی که با استعمال عباراتی کاملاً مشابه با برادر خود، سید قطب، الوهیت را در سه مفهوم اعتقاد، شعائر تعدی و توحید تشریحی موضوعیت داده و در نهایت با پررنگ جلوه دادن توحید تشریحی و کافر خواندن تارک آن، از توحید قبوری سلفیه سنتی فاصله گرفته است (محمد قطب، ۱۹۹۰: ۳۷/۲؛ همو، ۱۹۹۸: ۱۷). چنین رویکردی را با صراحتی بیشتر در بیانات سید قطب شاهد هستیم.

سید قطب برخلاف سلفیه، ربوبیت را مفهومی غیر از خالقیت ذات الهی می‌پندارد (قطب، ۱۴۱۲: ۳۱۳۸/۵؛ ۲۳/۱). وی قائل به مدخلیت تنفیذ شرایع الهی و توحید تشریحی در ثبوت توحید الوهی است (همان: ۳۸۰/۱، ۳۸۲، ۵۶۳؛ ۶۹۰/۲، ۸۲۸)، در حالی که بیان شد سلفیه الوهیت را با عبودیت یکی می‌گیرند. وی ربوبیت (همان: ۱۸۵۲/۴) و حاکمیت (همان: ۸۲۹/۲؛ ۱۵۴۴/۳) را اخص خصایص الوهیت دانسته، با اشراب این دو مفهوم در عنوان الوهیت، تعبیری کاملاً ضد سلفی از الوهیت ارائه می‌دهد (همان: ۱۸۵۲/۴). سید قطب ضمن تعریف منحصر به فرد عبادت به توحید تشریحی، تضاد فکری خود با سلفیه را به اوج می‌رساند و می‌نویسد:

عبادت برابر نص قرآن و تفسیر پیغمبر خدا (ص) عبارت است از پیروی کردن از شرایع و قوانین؛ از این رو یهودیان و مسیحیان علمای دینی و پارسایان را نپرستیدند، بلکه صرفاً از شرایع و قوانین وضعی آنها تبعیت کردند (همان: ۱۶۴۱/۳).

سید به روشنی توحید الوهی را در شرک حاکمیت و تشریح خلاصه کرده، می‌نویسد: یزدان سبحان حکم شرک را برای اهل کتاب صادر و در روند قرآنی، حکم کفر ایشان را اعلان می‌کند، تنها به سبب اینکه اهل کتاب از علمای دینی و پارسایان خود شرایع و قوانین را دریافت و از آن شرایع و قوانین اطاعت کرده‌اند (همان: ۱۶۴۱/۳).

سید قطب در تفسیر سوره هود به روشنی موضعی بر خلاف سلفیه اتخاذ کرده و هدف پیامبران را دعوت به ربوبیت، نه الوهیت، بر شمرده است؛ چراکه به اعتقاد وی، توحید الوهی محل نزاع بین امت‌ها نیست. از نظر سید مسئله الوهیت محل اختلاف نبوده است، بلکه مسئله ربوبیت است که رسالت‌های آسمانی به آن رو کرده‌اند و واپسین رسالت آسمانی نیز به آن رو می‌کند، سپس در صدد توضیح آن برمی‌آید (همان: ۱۸۴۶/۴). وی بر خلاف سلفیه، تأکیدی بر شرک‌آمیز خواندن برخی لوازم توحید الوهی و ربوبی، مانند طلب شفاعت و توسل، نداشته، به واقع از تصریح به این عناوین نیز ابا دارد. اگرچه در لفافه چنین اموری را تقبیح کرده است (همان: ۳۰۳۷/۵)، بیاناتش از اصرار بر شرک خواندن این امور — چنانکه سلفی‌ها بر آن تأکید دارند — خالی است.

سلمان العوده نیز در تمام نوشته‌های خود عنایت مقبولی به مسئله توحید ربوبی و الوهی ندارد. البته وی در کتاب *مع الله الاسم الاعظم و قصه اسماء الله الحسنی*، مانند سلفیه، توحید خالقیت را داخل در توحید ربوبی می‌داند (عوده، ۱۴۱۳: ۲۷۳) یا اله را به معبود تعریف می‌کند (همان: ۳۱۷)؛ اما بر خلاف سلفیه و حتی استادش محمد قطب، هیچ تأکیدی بر مشرک خواندن متوسلان یا استغاثه‌کنندگان به غیر خدا ندارد.

مسعری در تبیین خود از حقیقت توحید ربوبی و الوهی صریح‌تر از العوده و محمد قطب عمل کرده، تقسیم ثلاثی توحید از سوی سلفیه را جامع و مانع نمی‌داند. وی توحید را در هفت عنوان منحصر کرده است: توحید ذات و صفات، توحید خلق، توحید تدبیر، توحید حاکمیت، توحید محبت و ولاء، توحید عبودیت و توحید طاعت (مسعری، ۲۰۰۴: ۱۳۸).

اشراب توحید ذات در توحید صفات نقطه اول مخالفت مسعری با سلفیه است. وی با علی حده دانستن توحید خالقیت و تعریف نکردن آن ذیل توحید ربوبی، گام دوم را در مخالفت با سلفیه سنتی برداشته است. ذکر مستقل توحید حاکمیت، طاعت و محبت نیز از دیگر مخالفت‌های وی با تقسیم ثلاثی سلفیه است، در حالی که سلفی‌ها همه سه عنوان را ذیل توحید الوهی تعریف می‌کنند و البته شأنی برای آنها قائل نیستند.

ذکر سه عنوان اخیر در بیان مسعری را باید همسو با روحیه جهادی و تکفیری نوسلفیان تعریف کرد. ایشان حاکم بغیر ما انزل الله و همچنین محکومان وی را به جرم ولاء و طاعت کفار تکفیر می‌کنند و به واسطه آن خروج بر حاکم را مجاز می‌شمرند؛ مسئله‌ای که هیچ سنخیتی با سلفیه سنتی درباری و حمایت آن از حکام، هرچند جائز و کافر، ندارد. مسعری نارسا بودن تعریف سلفیه از توحید ربوبی را یادآور می‌شود و معتقد است با این تعریف، بسیاری از انواع شرک ربوبی مغفول می‌ماند، به این صورت که صرف اعتقاد به استقلال ربوبی غیر خدا، بدون اینکه آن را متوقف بر تقدیس و عبادت کنیم، باعث شرک می‌شود (همان: ۱۷۷). این موضع مسعری تعریضی دیگر بر بیان سلفیه سنتی در فروکاستن شرک به شرک الوهی تلقی می‌شود.

به باور مسعری، استغاثه به غیر خدا با اعتقاد به ربوبیت وی ملازم است، اگرچه طلب کردن بدون اعتقاد اصلاً شرک محسوب نمی‌شود (همان: ۳۴۲)؛ از این رو وی تعریف عبادت را به صرف تقدیس و تذلل نارسا می‌داند و بر لحاظ کردن اعتقاد به الوهیت معبود تأکید می‌کند (همان: ۲۳۱). وی بر خلاف سلفیه، شرک بودن برخی امور از منظر سلفی‌ها را صرفاً در صورت اعتقاد به الوهیت غیر خدا شرک می‌داند (همان: ۳۴۴). البته وی با استناد به برخی روایات، اموری چون ذبح برای غیر خدا را شرک می‌داند؛ اما مهم این است که در تنقیح مناط کلی، قائل به تفصیل در شرک عملی می‌شود و بیشتر انواع آن را موجب خروج از آیین اسلام نمی‌داند (همان: ۲۷۳).

وی در تضاد با باور سلفیان سنتی، سجده بر قبور را فقط حرام (نه شرک) پنداشته است (همان، ۳۸۰). وی سجده تقدیس بدون لحاظ اعتقاد به الوهیت مسجود را شرک ندانسته، (همان: ۲۲۴) و شدِّ رحال برای زیارت قبر نبوی را امری مندوب می‌داند (همان:

۴۲۴). وی متوسلان و استغاثه‌کنندگان به قبور را قبوریون خرافی و سلفیان سنتی را به علت مشرک خواندن این دسته، قبوریون افراط‌گرا می‌خواند (همان: ۴۰۲).
در نهایت باید گفت کم‌اهمیت جلوه دادن توحید ربوبی و الوهی نسبت به توحید تشریح و حاکمیت اساس تشکیل طیف‌های متعدد نوسلفیه در این حوزه است.

۳. بررسی تطبیقی رویکرد سلفیه سنتی و نوسلفیه به توحید حاکمیت و تشریح

۱-۳. توحید حاکمیت و تشریح از منظر سلفیه سنتی

مسئله توحید حاکمیت در مجادلات و بحث‌های کلامی معمولاً ذیل تفسیر آیه ۴۴ سوره مائده «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»، تحت عنوان مسئله «حکم بغیر ما انزل الله» طرح می‌شود. باید تصریح کرد که دیدگاه قاطبه مفسران اهل سنت و حتی مفسران منتسب به جریان سلفی‌گری سنتی، مانند ابن‌کثیر، به‌گونه‌ای است که برداشت حکم تکفیر حکام و محکومان جوامع اسلامی را برنمی‌تابد و تنها در نوعی تفسیر ارائه‌شده، آیه شریفه حکم ارتداد افرادی را بیان می‌کند که قضاوت بغیر ما انزل الله را حلال بدانند و نوعی انکار ضروریات دینی را اظهار کنند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۱۴؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۳/۱۰۹). در مقابل، دیدگاه تکفیری‌ها بر این پایه استوار است که جحود و استحلال به صرف عمل جوارحی تحقق می‌یابد، نه انکار لسانی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۱۴).

ابن تیمیه، از بنیان‌گذاران فکری سلفیه، تفسیری از آیه شریفه مذکور ارائه می‌کند که همچون بیان ابن‌کثیر سلفی با مدعای تکفیری‌ها موافقت ندارد. وی حکم را به قضا معنا می‌کند و مفاد آیه را مختص به قوم یهود می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۳۲: ۴۷۸). علاوه بر این، همسو با سلفیه سنتی و در تضاد با نوسلفیان، حکم بغیر ما انزل الله را به‌صراحت مقید به استحلال می‌کند. در نقطه مقابل، یکی از محققان مدافع تفکر تکفیری نوسلفی کوشیده است اساس کار دانشکده‌های حقوق در وضع قوانین مبتنی بر احکام حقوقی غربی را از مصادیق شرک معرفی کند (مبرد، بی‌تا: ۱۱۸).

بنابراین باید گفت سلفیان سنتی همچون ابن تیمیه و ابن کثیر، بر خلاف نوسلفیه، فقط به مداخلیت استحلال قلبی در تکفیر حاکم بغیر ما انزل الله معتقدند.

۲-۳. توحید حاکمیت و تشریح از منظر نوسلفیان

مسئله توحید حاکمیت و تشریح را باید نقطه عطف دعوت نوسلفیه تلقی کرد، به‌گونه‌ای که نوسلفیانی چون سلمان العوده برای تبلیغ مسئله توحید حاکمیت، دیگر مؤلفه‌های نوسلفیه را به نحوی واگذاشته‌اند. حتی محمد قطب نیز، به‌رغم برخی توافقات فکری با سلفیه سنتی در توحید صفاتی و ربوبی و الوهی، حجم وسیعی از کتب خود را به این حوزه اختصاص داده است، به نحوی که به ذهن خواننده مکتوبات وی متبادر می‌شود که محمد قطب برخی توافقات فکری خود را جهت آرام کردن مخالفان نوسلفیه در موطن دوم و محل اقامتش، یعنی عربستان سعودی، صورت داده تا بتواند مسئله توحید تشریح و حاکمیت را بهتر مطرح کند. بنابراین می‌بینیم که وی به‌رغم اینکه توحید حاکمیت را یکی از شاخه‌های توحید الوهی می‌داند، به‌گونه‌ای این مبحث را تفصیل می‌دهد و بر آن تأکید می‌کند که گویی تحقق اصل توحید از منظر وی متکی بر توحید حاکمیت است.

محمد قطب در تشریح مسئله توحید حاکمیت، حتی در عبارات نیز، به برادرش سید قطب اقتدا می‌کند و تأکید دارد که توحید الوهی از سه مؤلفه اعتقاد، شعائر تعبدی و توحید حاکمیت تشکیل می‌شود که مؤلفه اخیر در این عصر مغفول مانده و باید مورد توجه قرار گیرد (محمد قطب، ۱۹۹۸: ۱۷۳). نقطه انفصال وی از سید قطب در این مسئله این است که وی حکم به کفر حاکم بغیر ما انزل الله را فقط جهت تبیین می‌داند، نه جهت جاری ساختن تکفیر منجر به سلب حق حیات مسلمین؛ امری که وی با آن بیانات صریح تکفیری سید قطب را نیز توجیه می‌کند و بر آن است که مبلغان اسلامی در جایگاه داعی‌اند، نه قاضی (محمد قطب، ۱۹۹۷: ۴۱۸).

مسعری پا را از افکار محمد قطب فراتر گذاشته و تحکیم شرع الهی را عین یا بخشی از عبادت خوانده است (مسعری، ۲۰۰۴: ۲۳۳؛ همو، ۲۰۰۲: ۸۱). این در حالی است که

محمد قطب بر دو مؤلفه اعتقاد و شعائر تبعدی در توحید الوهی تأکید دارد. ابوالحسن ندوی — از معاصران و دوستان اهل علم سید قطب که سید از او تأثیر پذیرفته و حتی آرای وی را نقل می‌کند — اقتصار توحید در صرف مسئله حاکمیت را به مودودی و سید قطب نسبت داده و آن را امری خطیر توصیف کرده است (ندوی، بی‌تا: ۸۳).

مسعری تحکیم شرعی الهی را تا عینیت‌بخشی عبادت در این مفهوم پراهمیت جلوه داده است. به علاوه، سخنان وی در کافر خواندن حاکم بغیر ما انزل الله و محکومان وی به صرف ترک حکم الهی و بدون تقیید آن به استحلال جایی برای توجیه بیان وی باقی نمی‌گذارد (مسعری، ۲۰۰۲ب: ۹۵؛ همو، ۲۰۰۲الف: ۱۶۹). وی با رد تفسیر کافرون در آیه ۴۴ سوره مائده «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»، به کفر لغوی و ضعیف خواندن روایت ابن عباس در معرفی حکم بغیر ما انزل الله به عنوان کفر دون کفر (کفر عملی)، کفر تارک حکم الهی را کفر اکبر و هم‌ردیف کفر به خدا، رسول و ملائکه الهی می‌داند (مسعری، ۲۰۰۲الف: ۱۹۰). او که یکی از معارضان سرسخت و خارج‌نشین پادشاهی سعودی است، از مفهوم حکم بغیر ما انزل الله برای تکفیر حکام سعودی و رد آرای علمای درباری حامی آل سعود بهره می‌گیرد (همان: ۱۵۱). ابومحمد مقدسی، پدر معنوی نوسلفیه معاصر و استاد تکفیری معروف ابومصعب زرقاوی، نیز در کتاب خود با عنوان *ملة ابراهیم*، همچون مسعری، با قائم مقام قرار دادن فعل مکلف برای اعتقاد قلبی وی، صرف ترک حکم الهی را موجب تکفیر دانسته و حکام سعودی را تکفیر کرده است (مقدسی، بی‌تا: ۶۸). اما منهج سلمان العوده و محمد قطب، نوسلفیان ساکن در عربستان سعودی، در تبلیغ توحید حاکمیت متفاوت است.

سلمان العوده بر آن است که حقیقت باور نوسلفی خود را در لفافه بیان کند. وی در مصاحبه با بن‌باز، مفتی اعظم سابق سعودی، تلاش دارد پاسخ وی درباره حمل کفر مذکور در آیه ۴۴ سوره مائده به کفر اصغر را مخدوش کند؛ از این رو مدام از بن‌باز می‌خواهد که قرینه صارفه نقل کفر از معنای شرعی به معنای لغوی را بگوید (جزائری، ۲۰۰۸: ۱۴۷). وی با همین رویکرد محافظه‌کارانه، افرادی که در هتل‌های دولت‌های عربی به شرب خمر عادت کرده‌اند را تکفیر می‌کند و معتقد است همین اصرار بر معصیت

نشان از اعتقاد قلبی شخص به استحلال شرب خمر دارد و ملاک تکفیر قرار می‌گیرد (العودة، ۲۰۱۰: ۵۹). به همین دلیل سلفیان سنتی بر وی تاخته‌اند که چگونه استخفاف و اصرار بر معصیت را قائم مقام استحلال قلبی قرار داده است (همان: ۱۶۳). ناصر العمر نیز معتقد است برخی از معاصی، همچون معمول شدن ربا در جامعه، را نمی‌توان به‌طور قطعی صرفاً معصیت حساب کرد، بلکه برخی از اینها حقیقتاً کفر اعتقادی به شمار می‌روند (عمر، بی‌تا: ۳۷).

از آنجا که سلمان العودة نقش بی‌بدیلی در حمایت از انقلاب مردم الجزایر برای تطبیق شریعت اسلامی داشته (جزایری، ۲۰۰۸: ۳۳۱) و اسلام‌گرایان کشته‌شده به دست حکومت را شهید خوانده است (همان: ۳۴۶)، به شدت از سوی سلفیه سنتی به شذوذ از تفسیر سلفی حکم بغیر ما انزل الله با عدم تقیید آن به استحلال متهم شده است. وی در فضای پراختناق دولت سعودی نیز حمایت از تظاهرات مسالمت‌آمیز را جایگزین دعوت به انقلاب و خروج بر حاکم کرده و به همین دلیل چندین سال به زندان محکوم شده است (همانک ۳۳۴)؛ هرچند منتسبان به سلفیه سنتی، همچون شیخ سلدان، چنین امری را نیز مخالف با یکی از مبانی کلامی سلفیه، یعنی اصل تحریم خروج بر حاکم، دانسته‌اند (همان: ۳۰۶).

شیخ الریس، از سلفیان سنتی که بیشتر مؤلفات خود را به نقد مبانی نوسلفیه اختصاص داده، سخن سفر الحوالی در اجتهادی خواندن مسئله جواز خروج بر حاکم را محکوم و به منع اجماعی خروج بر حاکم اشاره کرده است (ریس، ۱۴۲۴: ۱۸). شیخ الفهید نیز با ملاحظه تمرکز نوسلفیان بر مسئله جواز خروج بر حاکم، به جای تفسیر تکفیری از مبحث حکم بغیر ما انزل الله با استناد به آرای علمای گذشته و حال سلفیه، اصل منع خروج بر حاکم، ولو جائز، را تخلف‌ناپذیر دانسته است (فهید، ۲۰۱۳: ۳۳). صالح الفوزان، از مفتیان برجسته سلفیه سنتی، نیز با تقریظ بر کتاب الفهید در صدد تقویت موضع وی بر ضد نوسلفیان سعودی بوده است. عائض القرنی، از صاحبان مناصب دینی در دولت سعودی که متهم به افکار نوسلفیانه شده، غالباً افکار خود را در قالب اشعار و متون ادبی خود مطرح می‌کند. وی در قصیده‌ای تحت عنوان «دَع

الْحَوَاشِي وَ اخْرُج»، مانند العوده، از فقهای سلفی بابت نداشتن تفکر انقلابی‌گری انتقاد می‌کند، به‌گونه‌ای که احمد النجمی سلفی وی را به سبب تحریض به خروج بر حکام به باد هجو و انتقاد می‌گیرد (قرنی، بی تا الف: ۵۷).

می‌بینیم که طرح جواز خروج بر حاکم از سوی نوسلفیانی چون حوالی و العوده تلاشی عملگرایانه جهت محکوم کردن حکم بغیر ما انزل الله و عدم تطبیق شریعت اسلامی از سوی حکام بلاد اسلامی است. این تلاش در انقلاب الجزایر به صورت صریح و بی‌پرده صورت پذیرفت، اما فضای تنگ دولت سعودی اجازه چنین صراحتی را به نوسلفیه نداده است؛ از این رو العوده مبنای خود در توحید حاکمیت را در موطن خود با حمایت از تظاهرات مسالمت‌آمیز دنبال می‌کند. محمد قطب نیز با در نظر گرفتن همین ملاحظات بر آن است که وظیفه خود را دعوت معرفی کند، نه قضاوت و این‌گونه توحید حاکمیت را رواج دهد. تأکید بر دموکراسی، که یکی از مصادیق شورای اسلامی به شمار می‌رود، نیز می‌تواند همسو با حکم نوسلفیان به مجاز بودن خروج بر حکام جائر تعریف شود (اباطین، ۱۴۳۳: ۹۶). سلمان العوده اصطلاح اهل حل و عقد را به‌صراحت محدث می‌داند و معتقد است این ملت‌ها هستند که حق انتخاب دارند، نه اهل حل و عقد (همان: ۸۳). همین مسئله باعث شده سلفیه سنتی وی را به خرق اجماع امت در مسئله انعقاد خلافت ابوبکر با اجماع اهل حل و عقد متهم کنند (همان: ۳۴).

تلاش العوده برای مشروعیت بخشی به دموکراسی (همان: ۹۶)، لزوم مقبولیت حاکم (همان: ۳۹)، تجویز حکومت سکولار برای برخی جوامع واجد اقلیات مذهبی (همان: ۹۳) و طرح امکان فسخ بیعت حکام (عوده، ۲۰۱۲: ۱۳۴) نوعی مبارزه سلبی وی با مخالفان توحید حاکمیت و مسئله جواز خروج بر حکام مخالف تطبیق شریعت به شمار می‌رود که با مخالفت شدید سلفیان سنتی مواجه شده است (فهید، ۲۰۱۳: ۹۲). در مقابل، مسعری بنا به مقتضیات عصری و روحیات جسورانه خود، حاکم بغیر ما انزل الله و محکومان را به شدت تکفیر کرده است. بیان شد که بیانات سید قطب به نحوی توجیه‌پذیر است؛ اما مسعری به‌صراحت حکم به تکفیر و ارتداد حاکم بغیر ما انزل الله بدون تقیید آن به استحلال کرده است.

۳. بررسی تطبیقی جایگاه صحابه از منظر سلفیه سنتی و نوسلفیه

۳-۱. جایگاه صحابه از منظر سلفیه سنتی

سلفیه به سبب نقل‌گرایی افراطی جهت حجیت بخشی به آرای صحابه به شدت به تعدیل آنان و تجلیل از شخصیتشان نیازمندند؛ از این رو آحاد صحابه را پرچمداران سلف صالح می‌دانند و تکریم و احترام می‌کنند و هرگونه مستند و خبری که به این امر خدشه وارد کند را مردود یا محکوم به تأویل و توجیه می‌خوانند. در جریان سلفیه توسعه دامنه مصادیق صحابه با شدتی بیشتر از جریان اهل سنت پیگیری می‌شود، به نحوی که در تعریف مفهوم صحابه نه تنها به معیار مشاهده پیامبر (ص) در حال اسلام اکتفا می‌شود (ابن حزم، ۱۹۹۵: ۸۹/۵)، بلکه اخبار فرد عادل از خود مبنی بر اتصافش به عنوان صحابی نیز در صحابی شمردنش کفایت می‌کند (ابن کثیر، ۱۹۵۸: ۱۸۵). همین تساهل و تسامح در معیارهای اثبات صحابی بودن موجب شده که شمار صحابه نزد سلفی‌ها تا صد و بیست هزار نفر تخمین زده شود (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۳۹۷/۵).

سلفیه مایلند روایت خیر القرون را به آحاد سلف، و نه مجموع آنها، اطلاق کنند و آن را به جمهور علما نسبت دهند (عائض حسن، ۱۴۳۰: ۱۰۰)، در حالی که ظواهر این روایت و سیره عقلا چنین برداشتی را به سادگی محکوم می‌کند؛ چراکه اختلافات و جنگ‌های صحابه با یکدیگر در صدر اسلام حجتی آشکار بر اسقاط عدالت و حتی اسلام برخی آنان است. سلفی‌ها با استناد به اجتهاد صحابه، ایشان را در خطاهایشان مأجور می‌دانند و معتقدند جز به نیکی نباید از ایشان یاد کرد (عینی، ۲۰۰۱: ۱۵۲/۱؛ مالکی، ۲۰۰۴: ۹۶).

در این میان، دفاع از بنی‌امیه، به خصوص معاویه و یزید، از اهمیت خاصی نزد سلفیه برخوردار است، در حالی که این تعصب را در بین قاطبه اهل سنت شاهد نیستیم؛ برای نمونه، بهنساوی، از منتقدان سلفیه، معتقد است که معاویه با زور شمشیر از شیوخ مدینه برای یزید بیعت گرفت و وقتی معاویه مرد، آنان مقابل یزید قیام کردند (بهنساوی، ۱۴۱۱:

۲-۳. جایگاه صحابه از منظر نوسلفیه

یکی از مظاهر مخالفت‌های نوسلفیه با جزم‌اندیشی و جمودگرایی سلفیان سنتی، مواضع نه‌چندان محکمشان در دفاع از عدالت صحابه و حجیت اقوال و افعال ایشان است. سید قطب به شدت بر عثمان می‌تازد و او را به سبب اعطای بی‌حد و حصر اموال بیت‌المال به خویشاوندانش و سپردن پست‌های کلیدی به آنان منحرف از روح اسلام معرفی می‌کند (قطب، ۱۹۹۵: ۱۸۶-۱۸۷). وی سیاست معاویه را در قیاس با سیاست علی (ع) بر پایه منفعت‌طلبی و استفاده از هر وسیله‌ای برای کسب قدرت می‌داند و پیروزی معاویه بر علی (ع) را فاجعه‌ای برای اسلام حقیقی می‌شمارد (قطب، ۱۹۸۳: ۲۴۲). سلمان العوده نیز با استناد به روایت نبوی، معتقد است که معاویه با تغییر روش انتخاب خلیفه از شورا به وراثت، سنت نبوی را تغییر داد (عوده، ۲۰۱۲: ۶۹). همین امر سبب شده سلفیه سنتی وی را به تنقیص شأن معاویه متهم کنند (ابابطین، ۱۴۳۳: ۲۶).

روشن است که بیانات العوده و سید قطب با تقدیس صحابه ذیل اصل سلف‌گرایی افراطی مخالفت مبنایی دارد.

۴. بررسی تطبیقی مسئله فتح باب اجتهاد از منظر سلفیه سنتی و نوسلفیه

۴-۱. فتح باب اجتهاد از منظر سلفیه سنتی

یکی از مقومات تفکر سلفیان سنتی تأکید بر فتح باب اجتهاد است. موج گسترده تقلیدستیزی و تجلیل از فتح باب اجتهاد را می‌توان در بزرگان جریان سلفی مصر، همچون محمد عبده و عبدالرحمن کواکبی، دید (پاکتچی و هوشنگی، ۱۳۹۰: ۹۴). برخی محققان معتقدند شعار نفی مذاهب فقهی در دوران پس از ابن‌عبدالوهاب فاقد جامعیت و مانعیت برای سلفیه بود. جامع نبود؛ زیرا افرادی چون دهلوی سلفی در نفی مذاهب بسیار محتاط عمل می‌کردند. مانع نیز نبود؛ چراکه در دو سده اخیر برخی به دلایلی به نفی مذاهب فقهی روی آوردند که لزوماً جزء جریان سلفیه نبودند (همان: ۳۹).

در هر صورت نمی‌توان از عنصر اجتهاد، که یکی از مؤلفه‌های جاری در مکتب سلفیه است، چشم پوشید، به گونه‌ای که جریان سلفیه همواره مخالفان خود را به تقلیدمحوری متهم و از این طریق مشی اجتهادی خود را تأیید می‌کند (سقاف، ۱۴۱۲: ۲۹۷/۳). شوکانی سلفی در رساله *القول المفید فی أدلة الاجتهاد و التقليد* درباره تقلید از ائمه اربعه فقه چنین می‌گوید:

معنای دروغین انسداد باب اجتهاد این است که در امت اسلام کسی که کتاب و سنت را بفهمد، باقی نمانده است و وقتی که کسی باقی نماند، راهی به سوی کتاب و سنت نیست. با بسته شدن این راه چه بسا احکام فراوانی که تعطیل می‌شود... به خدا دروغ بستند و ادعا کردند که خدا قادر بر آفرینش مخلوقی نیست تا دینی که برای آنان تشریح و آنان را متعبد به آن کرده است را بفهمند. گویا آنچه خداوند در قرآن و سنت تشریح کرده، دین مطلق و دائمی نیست و تنها تا قبل از پدید آمدن این چهار مذهب اعتبار دارد و بعد از آن نه کتابی در کار است و نه سنتی. گویا کسی آمده که برای این امت شریعت جدیدی آورده است (شوکانی، بی‌تا: ۶۹).

آلبانی نیز در رساله‌ای که در نفی تقلید نگاشته، معتقد است تقلید علم محسوب نمی‌شود (آلبانی، ۱۴۲۵: ۷۲)، بلکه رجوع به قرآن و سنت برای استنباط احکام امری مندوب و مصداق علم مورد عنایت اسلام است؛ چراکه علم در دو منبع قرآن و سنت موجود است، نه در آرای رجال (همان: ۷۸). بنابراین تأکید بر فتح باب اجتهاد را باید یکی از مبانی معرفت‌شناسی سلفیه سنتی دانست.

۴-۲. فتح باب اجتهاد از منظر نوسلفیه

یکی از مبانی نوسلفیان به مخالفت ایشان با سلفیه سنتی در مسئله لزوم تقلید از مذاهب اربعه فقهی بازمی‌گردد. سلمان العوده اهل حدیث و سلفیه را فرقه ناجیه معرفی و اتصاف آنها به فرقه منصوره را رد می‌کند و در تعلیل مدعای خود می‌نویسد:

اهل حدیث عادت کرده‌اند برای نشان دادن توجه خود به حدیث از تقلیدگری حمایت کنند؛ امری که به آشفتگی بی‌سابقه در امر تشریح منجر می‌شود و اول و آخری برای مفسد آن متصور نیست. از این رو می‌بینیم که شخصی ناتوان از خواندن قرآن و حدیث ادعای اجتهاد می‌کند و آرای احمد بن حنبل، شافعی، مالک و ابوحنیفه را وامی‌گذارد (عوده، بی‌تا: ۱۲۱).

العوده در کتابی تحت عنوان *مَنْ يَمْلِكُ الاجتهاد؟* با تأکید بر خطیر بودن اجتهاد و شروط مجتهد به دفاع از موضع خود برمی‌خیزد و تسرع و ساده‌اندیشی افراد فاقد صلاحیت در امر افتا را محکوم می‌کند (عوده، ۱۴۱۲: ۱۶). سَفَر الحوالی نیز به‌صراحت از مسئله فتح باب اجتهاد، که یکی از مبانی سلفیه است، انتقاد کرده و آن را وسیله‌ای برای ترویج افکار غربی و انحرافی دانسته است (حوالی، ۱۴۰۵: ۸۵).

بنابراین باید تصریح کرد که العوده و الحوالی، از بزرگان نوسلفیه معاصر، به‌صراحت با فتح باب اجتهاد و تساهل در شروط آن مخالفند؛ امری که سلفیان به هیچ روی با آن موافق نیستند و فتح باب اجتهاد را یکی از مؤلفه‌های اساسی سلفی‌گری می‌دانند.

۵. بررسی تطبیقی حجیت اخبار آحاد در باب عقاید از منظر سلفیه سنتی و نوسلفیه

۵-۱. حجیت اخبار آحاد در باب عقاید از منظر سلفیه سنتی

آسان‌گیری در شروط پذیرش احادیث و تقدم روایات، حتی از نوع ضعیف آن، بر رأی و نظر موجب شده سلفیه، بدون اینکه شرایط پذیرش یک خبر واحد را به‌طور دقیق تنقیح و اعمال کنند، حتی در مسائل اعتقادی نیز به حجیت خبر واحد معتقد شوند (امین، ۱۹۶۹: ۲۴۳). دامنه حجیت‌بخشی به خبر واحد غیر محفوف به قرائن قطعی در میان سلفیه تا به آنجا است که ایشان در اثبات و تأیید مسائلی غیر از فروع فقہی، مانند اعتقادات، نیز به خبر واحد اعتماد می‌کنند. آلبانی، از سلفیان معاصر، معتقد است اینکه از قدیم بین علمای مسلمان شایع بوده که خبر واحد در عقاید حجت نیست و در احکام شرعی حجیت دارد، فکری خطرناک و باطل است. این باور را مبلغان و علمای

دینی چنان تبلیغ کرده‌اند که گویا امری بدیهی و مناقشه‌ناپذیر است؛ اما چنین اصلی در شریعت ثابت نشده و سلف صالح نیز به این مسئله اذعان نکرده‌اند (آلبانی، ۱۴۲۵: ۳). سلیمان الاشقر، از سلفیان معاصر، نیز پس از تفصیلات فراوان بر این باور است که سلف صالح بر صحت احتجاج به اخبار آحاد در عقاید اجماع نظر دارند؛ هرچند معتقدند خبر واحد ظنی الدلاله است و افاده علم نمی‌کند (اشقر، ۲۰۱۵: ۳۵۸).

می‌توان گفت اعتماد سلفیان بر خبر واحد از تأکید آنان بر سنت‌گرایی و سلف‌گرایی افراطی نشئت می‌گیرد، در حالی که در مسائل اعتقادی اخبار ضعیف‌السند و ظنی الدلاله کارگشا نیستند؛ اما دل‌بستگی سلفیه به آرای سلف و روایات در مصادر بر اعتقادات ایشان نیز به‌وضوح تأثیری منفی نهاده است.

۲-۵. حجیت اخبار آحاد در باب عقاید از منظر نوسلفیه

تضاد مبنایی نوسلفیان با مسئله حجیت اخبار آحاد در باب عقاید در بیانات سید قطب نمود جدی یافته است. سید قطب تأکید دارد که احادیث آحاد در مسائل عقیدتی قابل استناد نیستند و تواتر شرط اخذ روایات در امر عقاید است (قطب، ۱۴۱۲: ۴۰۸/۶). سلمان العوده نیز معتقد است تنقیح عقاید بر اساس تصحیح یا تضعیف روایات، همچون آفات اجتهاد در فروع، به آشفتگی در اصول اعتقادی می‌انجامد (عوده، بی‌تا: ۱۲۲). وی در این بیان خود تلویحاً به روش عمومی سلفیه در استعمال روایات آحاد در امر عقاید اشاره می‌کند و آن را مردود می‌خواند.

باید گفت بزرگان نوسلفیه، بر خلاف سلفیه سنتی، اصل حجیت روایات آحاد در مباحث عقاید را باطل می‌دانند. شاید توسعه سلفیان سنتی در امر روایات را بتوان به حجیت‌بخشی آنان به فهم سلف صالح، حدیث‌گرایی مفرط و تلاش برای توجیه ظاهرگروی در پوشش استناد به روایات تجسیمی و تشبیهی مرتبط دانست. امری که نوسلفیان به دلیل عنایت نداشتن به توحید صفاتی و دیگر حوزه‌های توحیدی مورد تأکید سلفیه از آن بی‌نیازند؛ از این رو مخالفت با حجیت روایات آحاد در امور اعتقادی اتفاق می‌افتد. بر همین اساس، نوسلفی‌ها مشکلی با تأویل صفات خبریه ندارند؛ چنانکه

سید قطب به صراحت صفات را تأویل کرده (قطب، ۱۴۱۲: ۹۲۹/۹؛ ۳۳۸۵/۶؛ ۳۰۲۸/۵) و سلمان العوده با رد اتکا به ظواهر نصوص در تنقیح اعتقادات، تلویحاً از مسئله تأویل صفات دفاع کرده است (عوده، بی‌تا: ۱۲۲)، در حالی که سلفی‌ها ضمن دفاع شدید از اخذ ظواهر نصوص، مخالفان را به تعطیل صفات یا تحریف نصوص متهم می‌کنند (بن‌باز، ۱۴۰۴: ۲۸۸).

بنابراین می‌توان گفت ظاهرگروی سلفیه کاملاً از تأکید ایشان بر سنت‌گرایی، که مصدر مهم معرفت‌شناسی این جریان است، ناشی می‌شود و تأکید ایشان بر حجیت خبر واحد در عقاید نیز تعبیری دیگر از این باور سلفیان سنتی است؛ اما نوسلفیان به جهت روی خوش نشان دادن به تأویل‌گرایی، به خصوص در مسئله تفسیر صفات خبریه، ضرورتی برای تأکید بر حجیت اخبار آحاد در عقاید ندارند.

۶. انتساب سلفیان سنتی به تفکر ارجائی از سوی نوسلفیه

یکی از اصول اساسی نوسلفیان به مفهوم‌شناسی خاص آنان از مسئله ایمان بازمی‌گردد. سلفیانی چون ابن تیمیه (آل‌خضیر، ۲۰۰۹: ۲۱۵/۲) و آلبانی (آلبانی، ۱۹۹۲: ۴۲) صرف عمل قلبی، نه جوارحی، را قوام‌بخش ایمان می‌دانند؛ اما نوسلفیان اعتقاد به عدم مدخلیت عمل جوارحی در انعقاد اصل ایمان را مترادف با تفکر ارجائی می‌دانند (حوالی، ۱۴۰۵: ۶۵۶/۲). به همین جهت، سَفَر الحوالی علمای امت را از دیرباز تاکنون مسئول ترویج انحرافات می‌داند؛ چراکه به‌زعم وی، عدم تأکید ایشان بر خطیر بودن انفصال عمل (جوارحی و نه جوانحی) از ایمان به افزایش روحیه تساهل و تسامح جوامع، شیوع انحرافات و ایجاد فرق گمراه کمک کرده است (ریس، ۱۴۲۴: ۵). وی آلبانی را، فقط به این علت که وی عمل قلبی را بدون فعل جوارحی موجب تحقق ایمان دانسته است، نماد اهل حدیث معاصر و حامی تفکر ارجائی می‌خواند (حوالی، ۱۴۰۵: ۶۶۰/۲). آلبانی نیز امثال الحوالی را خوارج زمان معرفی می‌کند که با مفهوم‌شناسی غلط ایمان و جدا نکردن کفر اعتقادی از عملی درصدد توسعه دامنه تکفیر هستند (زهرانی، بی‌تا: ۲۴). عثمین، از سلفیان سنتی، نیز در دفاع از آلبانی، تفکر الحوالی را تکفیری و اتهام وی به

آلبانی را کذب و بهتان خوانده است (همان: ۲۷). محمد قطب جهت محکم‌سازی مبنای نوسلفیان در تنقیح مفهوم ایمان، صرف اقرار و تصدیق بدون عمل را در شکل‌گیری ایمان کافی نمی‌داند (قطب، ۱۹۹۰م: ۶۲) و مانند شاگرد خود، الحوالی، مخالفان را به تفکر ارجائی متهم می‌کند. همین تعریف نوسلفیه از مفهوم ایمان به‌وضوح در تلقی ایشان از مسئله حکم بغیر ما انزل الله تأثیر گذاشته است، به نحوی که صرف ترک حکم بدون تقیید آن به استحلال را سبب تکفیر می‌پندارند؛ در سطور پیشین به تفصیل به این باور نوسلفیه اشاره شد.

نتیجه

مسئله توحید اساس اختلافات نوسلفیه و سلفیه سنتی را شکل داده است. در حوزه توحید صفاتی، مسعری نوسلفی با صراحت تمام مساعی سلفیه سنتی در تفسیر صفات را بی‌حاصل و پوچ می‌خواند. سید قطب با تأویل موسع صفات الهی، با مکتب اثبات صفات سلفیه سنتی به مبارزه برمی‌خیزد. محمد قطب نیز علی‌رغم برخی موافقات نسبی با تفکر سلفی — آن هم به سبب مصالحی همچون عدم مواجهه با مبلغان سلفیه سنتی در موطن دوم خود، یعنی عربستان سعودی — تعمق بسیار در مباحث صفات را با توجه به فلسفه ذکر آنها در قرآن، یعنی معرفت به پروردگار، متضاد می‌داند. سلمان العوده نیز با همین منهج با تألیف کتاب مع الله، عملاً از توجه به شناخت مفاهیم صفات به جای مجادلات کلامی سخن گفته است.

در باب توحید ربوبی و الوهی مسعری و سید قطب رویکردی کاملاً متضاد با سلفیان سنتی رقم زده‌اند. محمد قطب نیز با اسلوبی متمایز از سلفیان سنتی، موافقت خوبی را با ایشان در این حوزه ایجاد کرده؛ هرچند با تأکید بر توحید حاکمیت ذیل توحید الوهی با سلفیه سنتی مخالفت ورزیده است. سلمان العوده با تحفظ بر روحیه محافظه‌کارانه خود، اصلاً وارد چنین مباحثی نشده؛ اما در قالب تأیید تظاهرات مردمی و انقلاب‌های عربی به محکم‌سازی مبانی نوسلفیه در مسئله توحید حاکمیت همت گماشته است.

به بیان دیگر، یک نوسلفی بیشتر به مباحث حکومتی و کاربردی علاقه‌مند است و یک سنتی به مباحث اعتقادی کلامی و عبادی. از همین رهگذر، نوع نگاه این دو طیف به مباحث گوناگون تمایز جدی دارد، به نحوی که برخی مسائل برای یک طرف اهمیت حیاتی و اعتقادی دارد و برای طرف مقابل جزء فرعیات به شمار می‌آید؛ برای نمونه، مسئله توحید صفاتی که برای سلفیه سنتی یک مبحث مبنایی و اعتقادی است، برای نوسلفی‌ها یک بحث فرعی کلامی محسوب می‌شود.

نوسلفیان با قائم مقام قرار دادن عمل برای استحلال قلبی در مسئله حکم بغیر ما انزل الله، باوری تکفیری را در قیاس با سلفیه سنتی ارائه کرده‌اند.

تأکید سلمان العوده و الحوالی بر باطل بودن اصل فتح باب اجتهاد، که یکی از مؤلفه‌های سلفیه سنتی است، یکی دیگر از نقاط تمایز این دو جریان را رقم زده‌اند. تنقیص شأن برخی صحابه از سوی سید قطب و العوده نیز یکی دیگر از تضادهای عقیدتی نوسلفیان و رجال سلفیه سنتی است.

همچنین رد حجیت خبر واحد در تنقیح اصول عقاید از سوی سید قطب و العوده تلاش دیگری از نوسلفیان در رد مبانی سلفیه سنتی به حساب می‌آید.

علاوه بر این، انتساب سلفیان سنتی به تفکر ارجائی به بهانه اعتقاد نداشتن ایشان به مدخلیت جنس عمل در مفهوم ایمان از باورهای مهم سلفیه معاصر محسوب می‌شود.

در نهایت باید گفت نوسلفیان جهت تطبیق افکار کلامی و عقیدتی خود و هم‌اوردی با سلفیه سنتی، راهبردهای مختلفی را بنا بر مقتضیات عصری به مرحله اجرا گذاشته‌اند که در برخی طیف‌های آن تلازمی وثیق با فتاوی تکفیری دارد؛ اما بیشتر نوسلفیان حاضر در جامعه علمی کشور سعودی بنا بر ستیز بی‌امان سلفیان سنتی با تفکرات نوسلفیان، راهبردهایی مسالمت‌آمیز و اعتدال‌گرایانه را برای شکستن سیطره مبانی جزم‌اندیشانه و جمودگرایی سلفیه سنتی در پیش گرفته‌اند که در این نوشتار به مصادیق آن در حوزه‌های مختلف کلامی اشاره شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از استعمال این عنوان انتساب سلفیه سنتی به شیخ محمد امان الجامی است که از منظر نوسلفیان نماد صبغه درباری و محافظه‌کاری سلفیه سنتی به شمار می‌رود.
۲. نوسلفیه سلفیان سنتی را به دلیل افراط در جرح منتسبان به جریان سلفیه و فتوا به خروج آنها از دایره این مکتب، سلفیه تجریحیه می‌خوانند.
۳. سید قطب صاحب تفسیر فی ظلال القرآن است که شهرتش بیش از همه مدیون افکار انقلابی وی تحت تأثیر افکار ابوالاعلی مودودی، با تفسیر خاصی از مفهوم توحید و حاکمیت آن بر همه امورات است. مخالفان سید قطب وی را پایه‌گذار تفکر القاعده می‌دانند و در مقابل، موافقانش خوانش غیر روشمند و ناصحیح از افکار وی از سوی گروه‌های افراطی را یادآور می‌شوند.
۴. محمد قطب برادر سید قطب است که خود را میراث‌دار و مفسر افکار برادرش معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد سکونت وی در کشور سعودی نوعی محافظه‌کاری و تأثر از سلفیه نجدی را به افکار وی تحمیل کرده که در تقابل با رویه سید قطب است.
۵. سلمان العوده از پیشگامان نوسلفی‌گری در بلاد حجاز است که به سبب بهره‌گیری گسترده از شبکه‌های اجتماعی به شهرت زیادی در کشورش دست یافته و درصدد است تصویری هماهنگ از سلفیه و مدرنیته ارائه کند.
۶. عائض القرنی نویسنده، شاعر و مبلغ سعودی با مشارکت در مخالفت‌های جریان نوسلفیه، برای کمک گرفتن از نیروهای بیگانه در جنگ عراق و کویت بازداشت شد و همین امر کافی بود تا وی یکی از داعیه‌داران سلفیه نو معرفی شود.
۷. سفر الحوالی، از سرآمدان سلفیه نو، با نگارش رساله دکترای خود در مبحث تفکر ارجائی و منتسب کردن پیشوایان سلفیه سنتی، همچون آلبانی، به اندیشه مرجئه راه را برای گستره نفوذ نوسلفیه در عربستان فراهم کرد.
۸. انتساب ناصر العمر به نوسلفیه بیشتر وامدار نزدیکی وی به جریان اخوان المسلمین و نگارش کتاب *فقه الواقع* جهت بازسازی رویکرد فقهی سلفیه سنتی است.
۹. مقصود از صفات خبریه آن دسته از صفات الهی است که با نصوص قرآن و سنت (نقل) اثبات می‌شود.

منابع

- ابابطین، علی بن فهد (۱۴۳۳ق)، کشف شبه کتاب *اسئله الثوره*، المدینه المنوره.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۳۲ق)، تفسیر شیخ الاسلام *ابن تیمیه*، ریاض: دار ابن الجوزی.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۹۸م الف)، *الاسماء و الصفات*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۹۸م ب)، *الفتوی الحمویہ الكبرى*، ریاض: دارالصمیمی.
ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۲۰۰۰م)، *التدمیریہ تحقیق الاثبات للاسماء والصفات*، ریاض: دار العبیکان.
ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (بی تا)، *الرد علی الإحنانی*، قاهره: المطبعة السلفية.
ابن جبرین، عبدالله (بی تا)، *شرح القواعد الاربع*، پایگاه اینترنتی شیخ ابن جبرین.
ابن حزم، علی بن احمد الاندلسی (۱۹۹۵م)، *الاحکام فی اصول الاحکام*، قاهره: مطبعة الامام، چاپ دوم.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق)، *البدایه والنهایه*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۵۸ق)، *الباعث الحثیث*، تحقیق احمد شاکر، قاهره: مطبعة محمد علی صبیح.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸م)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
ارنؤوط، عبد القادر (۱۹۸۷م)، *مجموعه التوحید*، دمشق: دار البناء.
اشقر، عمر سلیمان (۲۰۱۵م)، *نظرات فی اصول الفقه*، اردن: دارالنفائس.
امین، احمد (۱۹۶۹م)، *فجر الاسلام*، بیروت: دارالکتب العربی.
آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۴۲۵م)، *الحديث حجه بنفسه فی العقائد*، ریاض: مکتبه المعارف.
آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۹۹۲م)، *حکم تارک الصلاه*، ریاض: دارالجلالین.
آلبانی، محمد ناصرالدین (۲۰۰۱م)، *التوسل انواعه واحکامه*، ریاض: مکتبه المعارف.
آل‌خضیر، محمد بن محمود (۲۰۰۹م)، *الایمان عندالسلف و علاقته بالعمل*، ریاض: مکتبه الرشد، چاپ سوم.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
بن باز، عبدالعزیز (۱۴۰۴ق)، «تنبیها ت هامه علی ما کتبه الشیخ الصابونی»، *البحوث الاسلامیه*، العدد ۱۰.
بهنساوی، سالم (۱۴۱۱ق)، *شبهات حول الفکر الاسلامی*، مصر: دارالوفاء.
پاکتچی، احمد، هوشنگی، حسین (۱۳۹۰ش)، *بنیاد گرای و سلفیه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
جزائری، عبدالمالک (۲۰۰۸م)، *مدارک النظر فی السیاسیه*، قاهره: دارالفرقان، چاپ هشتم.
حوالی، سقر بن عبدالرحمن (۱۴۰۵ق)، *ظاهرة الإرجاء فی الفکر الإسلامی*، رساله الدكتوراه جامعه أم القرى، كلية الشريعة والدراسات الإسلامية، قسم الدراسات العليا الشرعية.
ریس، عبدالعزیز بن ریس (۱۴۲۴ق)، *حوار مع الدكتور سقر الحوالی فی كتابه ظاهره الارجاء*، بی جا.
زهرانی، احمد بن یحیی (بی تا)، *اتحاف البشر بكلام العلماء فی سلمان و سفره*، بی جا.

- سقاف، حسن (١٤١٢ق)، *تناقضات الألبانی الواضحات*، عمان: دار الامام النووی.
- شوکانی، محمد بن علی (بی تا)، *القول المفید فی أدلة الإجتهد و التقليد*، قاهره: مكتبة القرآن.
- عائض حسن، ناصر بن علی (١٤٣٠ق)، *عقیده اهل السنه و الجماعه فی الصحابه الكرام*، مدینه منوره: الجامعه الاسلامیه.
- عبدالوهاب، محمد (بی تا)، *كشف الشبهات*، اسکندریه: دار الایمان.
- علیوی، ابن خلیفه (بی تا)، *عقیده السلف و الخلف فی ذات الله و صفاته و افعاله*، دمشق: مكتبه زید بن ثابت.
- عماد، عصام (١٣٨٦ش)، *روشی نو و صحیح در گفتگو با وهابیت*، ترجمه حمیدرضا غریب رضا، تهران: دهکده جهانی آل محمد (ص).
- عمر، ناصر (بی تا)، «التوحید اولاً»، پایگاه اینترنتی المسلم.
- عوده، سلمان بن فهد (١٤١٢ق)، *من یملک حق الاجتهاد؟*، القصیم، کلیه الشریعه.
- عوده، سلمان بن فهد (١٤١٣ق)، *مع الله الاسم الاعظم و قصه اسماء الله الحسنی*، مؤسسه الاسلام الیوم، چاپ پنجم.
- عوده، سلمان بن فهد (٢٠١٠م)، *شکراً ایها الاعداء، السعودیه: مؤسسه الاسلام الیوم*.
- عوده، سلمان بن فهد (٢٠١٢م)، *اسئله الثوره، بیروت: مرکز نماء للبحوث و الدراسات*.
- عوده، سلمان بن فهد (بی تا)، *صفه الغرباء، بی جا*.
- عینی بدرالدین (٢٠٠١م)، *عمده القاری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فهد، بن سلیمان (٢٠١٣م)، *الجنايه على الاسلام فی کتاب اسئله الثوره، کویت: غراس للنشر و التوزیع*.
- قرنی، عائض (بی تا الف)، *دیوان لحن الخلود، بی جا*.
- قطب، سید (١٤١٢ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره: دارالشروق، چاپ هفدهم.
- قطب، سید (١٩٨٣م)، *کتب و شخصیات*، مصر: دارالشروق.
- قطب، سید (١٩٩٥م)، *العداله الاجتماعیه فی الاسلام*، قاهره: دارالشروق.
- مالکی، حسن بن فرحان (٢٠٠٤م)، *الصحبه و الصحابه، ریاض: مرکز الدراسات التاريخیه*.
- مبرد، معاذ (بی تا)، *کلیات القانون و الحکم بغير ما انزل الله*، بی جا.
- محمد قطب (١٩٩٠م)، *منهج علم التوحید*، بورسعید: مكتبه رحاب، چاپ نهم.
- محمد قطب (١٩٩٧م)، *واقعنا المعاصر*، مصر: دار الشروق.

گونه‌شناسی تضادهای عقیدتی و کلامی نوسلفیان و جریان سلفیه سنتی / ۱۰۱

محمد قطب (۱۹۹۸م)، مفاهیم *بجب ان تصحح*، بیروت: دارالشروق، چاپ چهارم.

مدخلی، ربیع بن هادی (بی تا الف)، *اضواء اسلامیة علی عقیده سید قطب*، بی جا.

مسعری، محمد بن عبدالله (۲۰۰۲م الف)، *الحاکمیه و سیاده الشرع*، لجنه الدفاع عن الحقوق الشرعیه.

مسعری، محمد بن عبدالله (۲۰۰۲م ب)، *محاسبه الحکام*، لجنه الدفاع عن الحقوق الشرعیه، چاپ سوم.

مسعری، محمد بن عبدالله (۲۰۰۴م)، *اصل الاسلام و حقیقه التوحید*، تنظیم التجدید الاسلامی، چاپ

هشتم.

مقدسی، ابو محمد عاصم (بی تا)، *مله ابراهیم*، پایگاه اینترنتی منبر التوحید و الجهاد.

ندوی، ابوالحسن (بی تا)، *التفسیر السیاسی للاسلام*، المنصوره: دارالغد.

ولاء، حامد (۱۹۷۹م)، *عقیده الشهید سید قطب المفتری علیها*، قاهره: کتاب المختار.

References

- Aba Batin, 'Ali ibn Fahd. 2011. *Kashf Shubah Kitab As'ilat al-Thawra* (Uncovering the Confusions in the Book, Questions of Passion). Medina: n.p. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. 2010. *Tafsir Shaykh al-Islam Ibn Taymiyya* (Shaykh al-Islam Ibn Taymiyya's Exegesis of the Qur'an). Riyadh: Dar ibn al-Jawzi. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. 1998(a). *Al-Asma' wa-l-Sifat* (The Names and the Attributes). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. 1998(b). *Al-Fatwa al-Hammuya al-Kubra* (Major Hammuya Fatwas). Riyadh: Dar al-Sami'i. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. 2000. *Al-Tidmiriyya: Tahqiq al-Ithbat li-l-Asma' wa-l-Sifat* (Investigation of the Proof for the Names and the Attributes). Riyadh: Dar al-'Abikan. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. n.d. *Al-Radd 'ala-l-Ikhna'i* (Refutation of al-Ikhna'i). Cairo: al-Matba'at al-Salafiyya. [In Arabic]
- Ibn Jabrin, 'Abd Allah. n.d. *Sharh al-Qawa'id al-Arba'* (Exposition of the Four Rules). Official website of Ibn Jabrin. <https://www.ibn-jebreen.com/books/7.html> [In Arabic]
- Ibn al-Hazm, 'Ali ibn Ahmad al-Andulusi. 1995. *Al-Ahkam fi Usul al-Ahkam* (The Rulings in the Principles of the Rulings). Cairo: Matba'at al-Imam. Second edition. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Isma'il ibn 'Umar. 1987. *Al-Bidaya wa-l-Nihaya* (The Beginning and the End). Edited by 'Ali Shiri. Beirut: Dar Ihya' al-Turath. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Isma'il ibn 'Umar. 1958. *Al-Ba'ith al-Hathith* (The Inciting Motivation). Edited by Ahmad Shakir. Cairo: Matba'a Muhammad 'Ali Sabih. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Isma'il ibn 'Umar. 1998. *Tafsir al-Qur'an al-'Azim* (Exegesis of the Great Qur'an). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Arna'ut, 'Abd al-Qadir. 1987. *Majmu'at al-Tawhid* (Collection of Monotheism). Damascus: Dar al-Bina'. [In Arabic]
- Ashqar, 'Umar Sulayman. 2015. *Nazarat fi Usul al-Fiqh* (Comments on the Principles of Jurisprudence). Jordan: Dar al-Nafa'is. [In Arabic]
- Amin, Ahmad. 1969. *Fajr al-Islam* (The Dawn of Islam). Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi. [In Arabic]

- Albani, Muhammad Nasir al-Din. 2004. *Al-Hadith Hujja bi-Nafsih fi-l-'Aqa'id* (Hadith is a Self-standing Reliable Source of Beliefs). Riyadh: Maktabat al-Ma'arif. [In Arabic]
- Albani, Muhammad Nasir al-Din. 1992. *Hukm Tarik al-Sala* (The Ruling on One who does not Perform the Prayer). Riyadh: Dar al-Jalalayn. [In Arabic]
- Albani, Muhammad Nasir al-Din. 2001. *Al-Tawassul: Anwa'uh wa Ahkamuh* (Types and Rulings of *Tawassul* [making recourse to entities other than God]). Riyadh: Maktabat al-Ma'arif. [In Arabic]
- Al-i-Khudayr, Muhammad ibn Mahmum. 2009. *Al-Iman 'ind al-Salaf wa 'Alaqatuh bi-l-'Amal* (Faith in the View of Salafis and its Relation with Action). Riyadh: Maktabat al-Rushd. Third edition. [In Arabic]
- Alusi, Sayyid Mahmud. 1994. *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azim* (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Great Qur'an). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Binbaz, 'Abd al-'Aziz. 1983. "Tanbihat Hamma 'ala ma Katabah al-Shaykh al-Sabuni" (Important Points about What is Written by al-Shaykh al-Sabuni). *Al-Buhuth al-Islamiyya* (Islamic Debates), no. 10: 277-304. [In Arabic]
- Bahnasawi, Salim. 1990. *Shubahat Hawl al-Fikr al-Islami* (Confusions about Islamic Thought). Egypt: Dar al-Wafa'. [In Arabic]
- Pakatchi, Ahmad, and Hushangi, Husayn. 2011. *Bunyadgarayi va Salafiyyih* (Fundamentalism and Salafis). Tehran: Imam Sadiq University. [In Persian]
- Jaza'iri, 'Abd al-Malik. 2008. *Madarik al-Nazar fi-l-Siyasiyya* (Points of View in Politics). Cairo: Dar al-Furqan. Eighth edition. [In Arabic]
- Hawali, Safar ibn 'Abd al-Rahman. 1984. *Zahirat al-Irja' fi-l-Fikr al-Islami* (The Phenomenon of *Irja'* [Postponement] in Islamic Thought). Doctoral dissertation in Umm al-Qura University, College of Sharia and Islamic Studies, Department of Advanced Jurisprudential Studies. [In Arabic]
- Rays, 'Abd al-'Aziz ibn Rays. 2003. *Hiwar ma'a al-Duktur Safar al-Hawali fi Kitabih Zahirat al-Irja'*. n.p. [In Arabic]
- Zahrani, Ahmad ibn Yahya. n.d. *Ithaf al-Bashar bi-Kalam al-'Ulama' fi Salman wa Safar* (Endowing People with the Word of Scholars about Salman and Safar). n.p. [In Arabic]
- Saqaf, al-Hasan. 1991. *Tanaqudat al-Albani al-Wadihat* (Al-Albani's Obvious Contradictions). Oman: Dar al-Imam al-Nawawi. [In Arabic]

- Shukani, Muhammad ibn ‘Ali. n.d. *Al-Qawl al-Mufid fi Adillat al-Ijtihad wa-l-Taqlid* (A Useful Word on the Grounds of *Ijtihad* and Emulation). Cairo: Maktabat al-Qur’an. [In Arabic]
- ‘A’id Hasan, Nasir ibn ‘Ali. 2008. *‘Aqida Ahl al-Sunna wa-l-Jama‘a fi-l-Sahaba al-Kiram* (The Belief of the Tradition and the Community in the Dignified Companions of the Prophet). Medina: al-Jami‘a al-Islamiyya. [In Arabic]
- ‘Abd al-Wahhab, Muhammad. n.d. *Kashf al-Shubahat* (Uncovering the Confusions). Alexandria: Dar al-Iman. [In Arabic]
- ‘Ulaywi, Ibn Khalifa. n.d. *‘Aqidat al-Salaf wa-l-Khalaf fi Dhat Allah wa Sifatih wa Af‘alih* (The Belief of Predecessors and Successors in God’s Essence, Attributes, and Actions). Damascus: Maktaba Zayd ibn Thabit. [In Arabic]
- ‘Imad, ‘Isam. 2007. *Ravishi Now wa Sahih dar Guftugu ba Wahhabiyyat* (A New and Proper Way of Having Dialogues with Wahhabis). Translated by Hamid Riza Gharib Riza. Tehran: Dihkadi-yi Jahai-yi Al Muhammad. [In Persian]
- ‘Amr, Nasir. n.d. “Al-Tawhid Awwala” (Monotheism, First). Al-Muslim Website. [In Arabic]
- ‘Awda, Salman ibn Fahd. 1991. *Man Yamlik Haqq al-Ijtihad?* (Who Possesses the Right to *Ijtihad?*). Al-Qassim: al-Shari‘a College. [In Arabic]
- ‘Awda, Salman ibn Fahd. 1992. *Ma‘a Allah; al-Ism al-A‘zam wa Qissat al-Asma‘ al-Husna* (With Allah; the Greatest Name and the Story of the Best Names). Saudi Arabia: Mu’assisat al-Islam al-Yawm. Fifth edition. [In Arabic]
- ‘Awda, Salman ibn Fahd. 2010. *Shukra Ayyuha-l-‘Ada’* (Thanks, My Enemies). Saudi Arabia: Mu’assisat al-Islam al-Yawm. [In Arabic]
- ‘Awda, Salman ibn Fahd. 2012. *As‘ilat al-Thawra* (Questions of Passion). Beirut: Markaz Nima’ li-l-Buhuth wa-l-Dirasat. [In Arabic]
- ‘Awda, Salman ibn Fahd. n.d. *Sifat al-Ghuraba’* (Description of the Strangers). n.p. [In Arabic]
- ‘Ayni, Badr al-Din. 2001. *‘Umdat al-Qari fi Sharh Sahih al-Bukhari* (The Reader’s Prop in Exposition of al-Bukhari’s Accurate Hadiths). Beirut: Dar al-Kutub al-‘Ilmiyya. [In Arabic]
- Fuhayd, Fahd ibn Sulayman. 2013. *Al-Jinaya ‘ala-l-Islam fi Kitab As‘ilat al-Thawra* (Crime against Islam in the book, Questions of Passion). Kuwait: Ghiras li-l-Nashr wa-l-Tawzi‘. [In Arabic]

- Qarani, 'A'id. n.d. (a). *Diwan Lahn al-Khulud* (Collection of Poems: The Tune of Eternity). n.p. [In Arabic]
- Qutb, Sayyid. 1991. *Fi Zilal al-Qur'an* (Under the Shade of the Qur'an). Beirut and Cairo: Dar al-Shuruq. 17th edition. [In Arabic]
- Qutb, Sayyid. 1983. *Kutub wa Shakhsiyyat* (Books and Characters). Egypt: Dar al-Shuruq. [In Arabic]
- Qutb, Sayyid (1995). *Al- 'Adalat al-Ijtima'iyya fi-l-Islam* (Social Justice in Islam). Cairo: Dar al-Shuruq. [In Arabic]
- Maliki, al-Hasan ibn Farhan. 2004. *Al-Suhba wa-l-Sahaba* (Companionship and Companions of the Prophet). Riyadh: Markaz al-Durusat al-Tarikhiyya. [In Arabic]
- Mubarrad, Ma'adh. n.d. *Kulliyat al-Qanun wa-l-Hukm bi-ghayr ma Anzal Allah* (Outlines of the Law and Ruling with Recourse to Things Other than What Is Revealed by God). n.p. [In Arabic]
- Qutb, Muhammad. 1990. *Manhaj 'Ilm al-Tawhid* (The Path of the Science of Monotheism). Port Said: Maktaba Rihab. 9th edition. [In Arabic]
- Qutb, Muhammad. 1997. *Waqi'una al-Mu'asir* (Our Contemporary Reality). Egypt: Dar al-Shuruq. [In Arabic]
- Qutb, Muhammad. 1998. *Mafahim Yajib an Tusahhah* (Concepts that Ought to be Corrected). Beirut: Dar al-Shuruq. Fourth edition. [In Arabic]
- Madkhali, Rabi' ibn Hadi. n.d. (a). *Adwa' Islamiyya 'ala 'Aqida Sayyid Qutb* (Islamic Lights on Sayyid Qutb's Belief). n.p. [In Arabic]
- Mas'ari, Muhammad ibn 'Abd Allah. 2002a. *al-Hakimiyya wa Siyadat al-Shari'* (The Rule and Sovereignty of Shari'a). London: Committee for the Defense of Legitimate Rights. [In Arabic]
- Mas'ari, Muhammad ibn 'Abd Allah. 2002b. *Muhasabat al-Hukkam* (Taking the Rulers Accountable). London: Committee for the Defense of Legitimate Rights. Third edition. [In Arabic]
- Mas'ari, Muhammad ibn 'Abd Allah. 2004. *Asl al-Islam wa Haqiqat al-Tawhid* (The Origin of Islam and the Truth of Monotheism). London: Tanzim al-Tajdid al-Islami. Eighth edition. [In Arabic]
- Muqaddasi, Abu Muhammad 'Asim. n.d. *Milla Ibrahim* (The Nation of Abraham). Minbar al-Tawhid wa-l-Jihad Website. [In Arabic]

Nadawi, Abu-l-Hasan. n.d. *Al-Tafsir al-Siyasi li-l-Islam* (The Political Interpretation of Islam). Mansoura: Dar al-Ghad. [In Arabic]

Wila', Hamid.1979. '*Aqidat al-Shahid Sayyid Qutb al-Muftara 'Alaya* (The Belief Falsely Attributed to the Martyr Sayyid Qutb). Cairo: Kitab al-Mukhtar. [In Arabic]